**1- قواعد املایی برخی واژه ها**

الف) واژه هایی که همواره به صورت جدا نوشته می شود، عبارت اند از «ای»، مانند: ای خدا؛ «همین» و «همان» مانند: همین جا، همان کتاب؛

«هیچ»: مانند: هیچ یک؛ «می» و «همی»، مانند: می رود و همی گوید.

ب) واژه هایی که همواره جدا نوشته می شود، اما استثناء دارند:

«این» و« آن» همواره جدا نوشته می شوند، مگر در: آنچه، آنکه، اینکه، اینها، آنها، اینجا، آنجا، وانگهی.

»چه« همواره جدا نوشته می شود، مگر در: چرا، چگونه، چقدر، چطور، چنان.

»بی« همواره جدا نوشته می شود، مگر آنکه کلمه، بسیط گونه باشد، مثل: بیهوده، بیخود، بیراه، بیچاره، بینوا، بیجا.

»هم» از کلمه پس از خود جدا نوشه می شود، مگر در:

1. کلمه، بسیط گونه باشد، مثل: همشهری، همشیره، همسایه، همدیگر، همچنین، همچنان، همین، همان.

2. جزء دوم، تک هجایی باشد، مثل: همدرس، همسنگ، همکار، همراه.

3. جزء دوم با حرف مصوّت «آ» شروع شود، مثل: همایش، هماورد، هماهنگ.

»به» همواره جدا نوشته می شود، مگر در:

1. وقتی بر سر فعل یا مصدر بیاید (بای زینت)، مثل: بگفتم، بروم، بنماید، بگفتن.

2. به صورت بدین، بدان، بدور، بدیشان به کار رود.

3. هرگاه صفت بسازد: بخرد، بشکوه، بهنجار، بنام.

ج) واژه هایی که همواره جدا نوشته می شود، اما استثنا دارند:

»که» همواره جدا از کلمه قبل نوشته می شود، مگر در: بلکه، آنکه، اینکه.

»چه» از کلمه پیش از خود جدا نوشته می شود، مگر در: آنچه، چنانچه.

»را» همواره جدا نوشته می شود، مگر در: چرا، مرا.

»تر »«ترین» همواره جدا نوشته می شود، مگر در: بهتر، مهمتر، کمتر، بیشتر.

د) واژه هایی که همواره به ماقبل متصل می شوند، اما استثنا دارند:

»ها» همواره به کلمه ماقبل می چسبد، مگر در:

1. بخواهیم صورت مفرد کلمه مشخص شود، مثل: کتاب ها، درس ها.

2. کلمه به «ه» غیرملفوظ ختم شود، مثل: میوه ها، خانه ها.

**-2علایم همزه**

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسیِ «ا» نوشته می شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت

»ای»، «او» یا »ب» باشد که در این صورت روی کرسی «ی » نوشته می شود:

رأفت، تأسف، مأنوس، شأن و خلأ، ملأ، مبدأ، منشأ.

رئیس، لئیم، رئوف، مئونت، مطمئن، مشمئز.

ب) اگر حرفِ پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می شود، مگر آنکه پس از آن مصوّتِ «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می شود:

رؤیا، رؤسا، مؤسسه، مؤذّن، مؤثر، مؤانست، لؤلؤ، تلألؤ، شئون، رئوس.

ج) اگر حرفِ پیش از آن مکسور باشد، یا ساکن ولی در وسط کلمه قرار داشته باشد، روی کرسی «ی» نوشته می شود و همچنین کلمات دخیل

فرنگی همواره با کرسی «ی » نوشته می شوند:

لئام، رئالیست، سئول، نئون، مسئله، جرئت، هیئت، و در توأم استثنا است.

د) اگر حرفِ پیش از آن مکسور و در آخر کلمه باشد، روی کرسی (ی) نوشته می شود: متلألی ء.

ر) اگر حرفِ پیش از آن ساکن و یا یکی از مصوّت های بلندِ «آ»، «او» یا «ای» بوده و در آخر کلمه نوشته شود، بدون کرسی نوشته می شود:

جزء، سوء، شی ء، بط ء، سماء، ماء، املاء، انشاء.

س) در صورتی که همزه پایانی ماقبل ساکن (بدون کرسی) یا همزه پایانی ماقبل مفتوح (با کرسی «ا») و یا همزه پایانی ماقبل مضموم (با کرسی

«و»)به یای وحدت یا نکره متصل شود، کرسی«ی» می گیرد و کرسی قبلی آن نیز حفظ شود:

جزئی، شیئی، منشائی، مائی، لؤلؤئی.

ص) اگر حرفِ پیش از آن مفتوح یا ساکن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت ـآ و آ نوشته می شود:

مآخذ، لآلی، قرآن، مرآت.

الف) نشانه کسره اضافه در خط فارسی آورده نمی شود، مگر برای رفع ابهام در کلماتی که دشواری ایجاد می کند: اسبِ سواری/ اسب سواری.

ب) برای کلمات مختوم به های بیان حرکت، در حالتِ مضاف، از علامت «ء» (ی کوتاه شده شبیه همزه) استفاده می شود: خانه من، نامه من، نوشته او.

ج) «ی» در کلمه های عربیِ مختوم به «ی» (که «آ» تلفظ می شود) دراضافه به کلمه بعد از خود به «الف» تبدیل می شود: عیسای مسیح، موسای کلیم، هوای نفس، کبرای قیاس.

-1-2 واژه ها و عبارات مأخوذ از عربی

الف) «ة» در عبارات مأخوذ از عربی به چند صورت می آید:

1) اگر در آخر کلمه تلفظ شود، به صورت «ت» نوشته می شود: رحمت، جهت، قضات، برائت، مراقبت.

2) اگر در آخر کلمه تلفظ نشود، به صورت «ه» یا «ـه» نوشته می شود: علاقه، معاینه، مراقبه، نظاره، آتیه.

3) در ترکیبات عربی رایج در فارسی به صوت «ة» یا «ـة» نوشته می شود:لیلة القدر، ثقة الاسلام، خاتمة الامر، دایرة المعارف؛ استثنا در کلمات حجت الاسلام، آیت اللّه .

ب) «و» که در برخی از کلمه های عربی به صورت «آ» تلفظ می شود. در فارسی به صورت «الف» نوشته می شود، مگر در مواردی که رسم الخط

قرآنی آن مراد است: زکات، حیات، مشکات.

ج) «الف کوتاه» همیشه به صورت «الف، نوشته می شود، مگر در برخی حروف اضافه و اسامی خاصی که «الف» در آخر کلمه می آید و ترکیباتی که عینا از عربی گرفته شده است: شورا، مولا، تقوا، اسماعیل، رحمان، هارون، یاسین.

الی، حتی، عیسی، یحیی، مرتضی، اعلام الهدی، بدرالدّجی، سدرة المنتهی، طوبیلک.

**-3 تنوین**  
آوردن تنوین (در صورتی که تلفظ شود) در نوشته های رسمی و نیز در متون آموزشی الزامی است و به صورت های زیر نوشته می شود:  
الف) تنوین نصب همیشه به صورت «ا / ـا» نوشته می شود و اگر کلمه مختوم به همزه باشد، همزه آنها روی کرسی «ی » می آید و سپس

تنوین روی «الف» بعد از آن قرار می گیرد:  
نسبتا، واقعا، موقتا، عجالتا، طبیعتا، عمدا، جزئا، استثنائا، ابتدائا.  
ب) تنوین رفع و جر در همه جا به صورت « ــٌ » و « ــٍ » نوشته می شود و فقط در ترکیبات مأخوذ از عربی که در زبان فارسی رایج است، به کار می رود: مشارٌالیه، مضافٌ الیه، منقولٌ عنه، مختلفٌ فیه، متفقٌ علیه، بعبارةٍ اُخری، ای نحوٍکان.  
آوردن تنوین در کلمه های فارسی اشتباه است: گاها، زبانا.  
  
 **-4ترکیبات**  
مراد در اینجا کلمات مرکب و مشتق می باشد که به صورت زیر آورده می شود:  
 -1-4کلمات مرکبی که الزاما پیوسته نوشته می شوند:  
الف) مرکب هایی که بسیط گونه اند:  
آبرو، الفبا، آبشار، نیشکر، رختخواب، یکشنبه، سیصد، یکتا، بیستگانه.  
ب) جزء دوم با «آ» آغاز شود و تک هجایی باشد:  
گلاب، پساب، خوشاب، دستاس.  
  
ج) هرگاه کاهش یا افزایش واجی یا ابدال یا ادغام یا جابه جایی آوایی در داخل آنها روی داده باشد:  
چند، هشیار: ولنگاری، شاهسپرم، نستعلیق، سکنجبین.  
د) مرکبی که دست کم یک جزء آن، کاربرد مستقل نداشته باشد: غمخوار: رنگرز، کهربا.  
ر) مرکب هایی که جدانوشتن آنها التباس یا ابهام معنایی ایجاد می کند: بهیار (به یار)، بهروز (به روز)، بهنام (به نام)  
س) کلمه های مرکبی که جزء دوم آنها تک هجایی باشد و صورت رسمی یا نیمه رسمی یا جنبه سازمانی، اداری و صنفی یافته باشد: استاندار، بخشدار، کتابدار، قالیشو، آشپز.  
 -2-4کلمات مرکبی که الزاما جدا نوشته می شود:  
الف) ترکیب های اضافی (شامل موصوف و صفت یا مضاف و مضاف الیه)  
ب) جزء دوم با «الف» آغاز شود: دل انگیز، عقب افتادگی، کم احساس.  
ج) حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم، همانند یا هم مخرج باشد:  
آیین نامه، پاک کن، کم مصرف، چوب بری، چوب پرده، نظام مند.  
د) مرکب های اتباعی و نیز مرکب های متشکل از دو جزء مکرر: سنگین رنگین، پول مول، تک تک، هق هق.  
ر) مصدر مرکب و فعل مرکب: سخن گفتن، نگاه داشتن.  
س) مرکب هایی که یک جزء آنها کلمه دخیل فرنگی باشد: خوش پز، شیک پوش: پاگون دار.  
ص) عبارت های عربی که شامل چند جزء باشد: مع ذلک، من بعد، علی هذا، ان شاءاللّه ، باری تعالی، علی ایّ حال.  
ط) یک جزء از واژه های مرکب، عدد باشد: پنج تن، هفت گنبد، هشت بهشت، نه فلک، ده چرخه.  
ع) کلمه های مرکبی که جزء اول آنها به «های» بیان حرکت ختم شود؛ مگر اینکه در ترکیب، «ها» حذف شده به جای آن، «گ» میانجی بیاید: بهانه گیر، پایه دار، کناره گیر، تشنگان، خفتگان، هفتگی، بچگی.  
ف) کلمه با پیوسته نویسی، طولانی یا نامأنوس یا پردندانه شود: عافیت طلبی، مصلحت بین، پاک ضمیر، حقیقت جو.  
ق) یک جزء کلمه مرکب، صفت مفعولی یا صفت فاعلی باشد: اجل رسیده، نمک پرورده، اخلال کننده، پاک کننده.  
ک) یک جزء آن اسم خاص باشد: سعدی صفت، عیسی دم، عیسی رشته، مریم بافته.  
ل) جزء آغازی یا پایانی آن بسامد زیاد داشته باشد: نیک بخت، هفت پیکر، شاه نشین، سیه چشم.  
م) هرگاه با پیوسته نویسی، اجزای ترکیب معلوم نشود و احیانا ابهام معنایی پدید آید: پاک نام، پاک دامن، پاک رأی.  
 -3-4کلمات مرکبی که به دو صورت نوشته می شود:  
به جز کلماتی که الزاما پیوسته یا جدا نوشته شود، کلمات مرکب دیگر تابع قاعده خاصی نیست و به دو صورت نوشته می شود که به برخی از آنها اشاره می شود:  
الف) پسوند «وار» در برخی کلمات جدا و در برخی دیگر پیوسته نوشته می شود: طوطی وار، فردوسی وار، طاووس وار، بزرگوار، سوگوار، خانوار.  
ب) نوشتن کلمه «باسمه تعالی» و «بسمه تعالی» به هر دو صورت جایز است.  
ج) اگر واژه مرکب، عدد یک داشته باشد، نوشتن آن به هر دو صورت جایز است: یکسویه، یک سویه؛ یکشنبه، یک شنبه؛ یکسره، یک سره؛

یکپارچه، یک پارچه.  
 -4-4نکات تکمیلی در رسم الخط  
الف) جمع واژه های فارسی با «ات» غلط می باشد، مانند گزارشات، پیشنهادات، که صحیح آن گزارش ها، پیشنهادها می باشد.  
ب) کلمه عربی با علامت عربی جمع بسته می شود، مانند: اطلاعات، وجوه، سطوح  
ج) پسوند «یت» مصدرساز عربی، برای کلمات فارسی به کار نمی رود؛ مثل: رهبریت، شهریت که صحیح آن رهبری و شهری بودن است.  
 **-2نشانه گذاری ها**  
از آنجا که در جملات مکتوب، عواملی همچون مکث، تکیه، آهنگ و لحن کلام یا اشاره ها -که در سخن گفتن استفاده می شود- وجود ندارند تا گوینده را در انتقال مقصودش یاری دهند، برای رفع ابهام و روشن ترکردن مقصود نویسنده و روان خواندن نوشته، از علایم نقطه گذاری استفاه می شود. استفاده از علایم ویرایش، بیشتر تابع لحن کلام و سبک نویسنده است، با وجود این، گاهی از اصول و قواعدی پیروی می کند که سعی می شود موارد مهم آنها بیان گردد.  
**-1-2 ویرگول**  
ویرگول نشانه مکث کوتاه است که با توجه به نوع متن و نوع مخاطب، برای درست و روان خواندن نوشته، در حد اعتدال به کار برده می شود. در برخی موارد استفاده از آن ضرورت دارد که به برخی از آنها اشاره می گردد:  
الف) در بین دو کلمه که احتمال دارد خواننده آنها را به هم اضافه کند:  
امام، امت اسلام را زنده کرد.  
ب) در دو طرف عطف بیان و بدل نیز معمولاً به کار می رود:  
شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان، درباره مسائل جاری گفت...  
ج) بین چند کلمه یا گروه که در کنار هم بیایند و از نظر دستوری دارای یک نقش باشند، از ویرگول استفاده می شود و دو واحد آخری با «و» به هم عطف می شوند:  
مردی مؤدب، فروتن، مهربان و نیکوکار بود.  
د) میان عبارت ها و جمله های غیرمستقل یا وابسته:  
معمولاً پیش مردم ظاهربین، دانشمند واقعی کسی است که...  
ر) برای جداکردن اجزای آدرس ها:  
قم، بلوارامین، روبروی راهنمایی و رانندگی، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.  
س) برای جداکردن ارقام در جمله:  
به این موضوع در صفحه های 70، 95، 115 و 420 اشاره شده است.  
ص) بعد از کلمه ها و عبارت های ربطی مانند:  
با این همه، به هر حال و... و قیدی، مانند: اولاً، ثانیا، بلی، خیر و...  
 **-2-2نقطه ویرگول (؛(**  
نقطه ویرگول برای مکث های طولانی تر و حدّفاصل بین ویرگول و نقطه است و به نقطه نزدیکتر است که موارد کاربرد آن به شرح زیر است:  
الف) قبل از کلمه ها و عبارت های توضیحی مانند(مثلاً، یعنی، اما و...) اگر به مفهوم جمله قبل برگردد:  
شیخ الرئیس گفته است که: «از گاو می ترسم؛ برای اینکه گاو شاخ دارد و عقل ندارد»؛ یعنی اینکه از قدرتمند کم عقل باید گریخت.  
ب) اجزای وابسته به یک موضوع کلّی، هرگاه به صورت جمله های متعددِ ظاهرا مستقل بیان شود:  
فراق، کوه را هامون کند؛ هامون را جیحون کند؛ جیحون را پرخون کند؛ پس با این دل ضعیف چون کند؟  
ج) هرگاه در بین اجزای قسمت های مختلف یک جمله، ویرگول های متعدد به کار رفته باشد، نقطه ویرگول برای جدا کردن مجموعه آن قسمت ها از یکدیگر به کار می رود:  
محمد، احمد، حسن؛ علی و محمود را زدند.  
د) هرگاه موضوع یک جمله کامل، فهرست وار دسته بندی شده باشد، پس از پایان هر دسته، نقطه ویرگول، و در آخرین دسته، نقطه می آید؛ مانند:  
ساختمان واژه های فارسی، چند صورت است:  
1) ساده: گل، دل، خرد؛  
2) پیشوندی: همدل، بینوا، نادان؛  
3) پسوندی: کارگر، شنونده؛  
4) مرکب: گلخانه، دلنواز، سخنگو؛  
5) گروهی: بی دست و پا، آب از سرگذشته.  
  
 **-3-2نقطه (.)**  
نشانه مکث کامل است که در پایان جمله های خبری و امری می آید و موارد کاربرد آن به شرح زیر است:  
  
الف) پس از توضیحات پاورقی ها، جدول ها، نمودارها.  
ب) در پایان جمله و پس از ذکر مشخصات منابع که در متن استناد شده است؛ مانند: (مطهری، 1377، ص 25(.  
ج) برای مشخص کردن حرف های اختصاری، لازم است پس از هر حرف (به جز حرف آخر) نقطه گذاشته شود؛مانند:  
ه.ق (هجری قمری)، ق.م (قبل از میلاد(  
 **-4-2دونقطه (:)**  
نشانه توضیح است و به جای کلمه ها و عبارت های توضیحی (نظیر، مانند، مثل، ازقبیل و...) به کار می رود، بدین معنی که آنچه بعد از دونقطه آمده توضیح مثالِ قبل است؛ مانند:  
تنها ره سعادت: ایمان، جهاد، شهادت.  
الف) قبل از نقل قول ها دو ْنقطه می آید:  
او در کتاب خود گفته است: «شما بودید که رفتید...».  
ب) برای جداکردن رقم های جزئی از کلی نیز از دونقطه استفاده می کنند (در متن های فارسی رقم کلی در سمت راست و رقم جزئی سمت چپ می آید)، مثلاً جلد سوم صفحه چهل و یک، را به صورت، «3 :41» نشان می دهند.  
ج) گذاشتن دونقطه پس از عنوان های کتاب، مقاله، عنوان اصلی، فرعی و امثال آن لازم نیست.  
**-5-2علامت سؤال )؟(**  
در پایان جمله های پرسشی مستقیم، علامت سؤال می آید؛ همچنین موارد دیگر استفاده از علامت  
سؤال عبارت است از:  
الف) پس از جمله های استفهام انکاری:  
چه کسی می داند چه خواهد شد؟  
ب) بعد از کلمه ها یا عبارت هایی که به جای جمله پرسشی بیایند:  
کدام بهتر است: علم یا ثروت؟  
ج) برای بیان مفهوم تردید یا استهزا این علامت در داخل پرانتز (؟) استفاده می گردد:  
آقای محمدی، استاد نمونه دانشگاه تهران (؟) به مشهد رفته است.  
د) هرگاه چند جمله سؤالی پشت سر هم قرار گیرند، معمولاً در پایان تک تک آنها نشانه پرسش می آید:  
هیچ معلوم نیست از کجا آمده اند؟ چه آورده اند؟ به کجا می روند؟  
ر) اگر در ضمن جلمه خبری، جمله ای پرسشی نقل شود، باید جمله پرسشی حتما در داخل گیومه قرار گیرد:  
طفیلی را پرسیدند که «اشتها داری؟»؛ گفت: منِ بیچاره در جهان همین متاع دارم.

**-6-2گیومه «»**

نشانه ای است که برای «مشخص کردن» در موارد زیر به کار می رود:

الف) هرگاه عین عبارت نویسنده یا گوینده ای نقل شده باشد:

او پرسید «آیا کتابخانه ملی را دیده ای؟»

ب) هرگاه برای تأکید یا به دلیل دیگر خواسته شود کلمه یا عبارتی در متن مشخص و متمایز شود مانند:

گفتم «کتاب» را بیاور.

ج) آوردن عنوان مقاله ها، سخنرانی ها، فصل ها، مجله ها، اشخاص، کتاب ها و... در متن- جایی که در چاپ حروف کج (ایرانیک) به کار نرفته- در داخل گیومه می آید.

**-7-2پرانتز ()**  
برای جداکردن توضیح های نسبتا اضافی به کار می رود؛ توضیح هایی از قبیل:

الف) عبارت های تکمیل کننده و توضیح دهنده:

امامان معصوم(ع) احکام دینی را گاهی از راه الهام (نه وحی که خاص پیغمبر است) می گرفتند.

ب) معنای لغت ها و کلمه ها:

جلد پنجم و ششم فرهنگ معین به اعلام (اسم های خاص) اختصاص دارد.

ج) تاریخ ها:

صائب (986-1081 ه ق) از برجسته ترین شاعران سبک هندی است.

د) ذکر مثال ها:

روش های تحقیق به کار گرفته شده (مثل پیمایشی) در متن...

ر) ارجاع ها و ذکر منابع در متن:

(جوادی آملی، 1377، ص 54).

س) برای آوردن علایم اختصاری در متن:

(ق.م)؛ (ره)

**-8-2 خط فاصله (-)**

نشانه جداسازی است و بیشتر در دو طرف جمله یا عبارت معترضه می آید تا آن را از متن اصلی جمله جدا کند، خط فاصله در جداکردن، از ویرگول قوی تر و از پرانتز ضعیف تر است؛ به این معنی که خواننده حتما مطلب بین دو ویرگول را باید بخواند، ولی مطلب دو خط فاصله را می تواند نخواند. تفاوت آن با پرانتز در این است که عبارت بین دو خط فاصله، جزء جمله به شمار می رود و در روال طبیعی جمله می توانیم آن را بخوانیم، ولی عبارت داخل پرانتز، توضیحی زاید بر متن است و ممکن است از نظر ترتیب کلمات به گونه ای نباشد که بتوانیم آن را بخوانیم.

نهضت بیداری مسلمان ها در بسیاری از کشورهای اسلامی -برخلاف آنچه که تصور و تبلیغ می شود- فرزند انقلاب نیست، برادر آن است.  
الف) در آغاز بندهای کوتاه فرعی که بدون شماره گذاری یا دسته بندی عددی و حرفی بعد از دو نقطه قرار می گیرند: کارمند خوب کسی است که:

اهداف کارش را بداند؛

- نیازهایش را بشناسد و...

ب) برای پیونددادن یک ترکیب دو وجهی:

فرهنگ ایرانی-اسلامی؛ قطار تهران-مشهد

ج) به معنی «تا» در بین دو عدد:

ساعت 9-8 درس دارم.